

نگاهی به جنبش سنوسیه در شمال آفریقا

قرن نوزدهم شاهد حرکات اصلاحی و تجددگرایی در آئین اسلام و فرق آن بود. طریقه‌های صوفیه نیز در دایره اصلاحات و تحولات بودند. در شمال آفریقا، نیروهای تصوف دچار اصلاح و تجددگرایی شده‌اند. طریقت قادریه شاهد گسترش شد و طریقت احمدیه^۱ در شمال و صحرای آفریقا، ریشه دواند و طریقت ختمیه^۲ در سودان، متولد گشت و طریقت تیجانیه از قلمروش در شمال به صحرا و غرب آفریقا، منتقل شد و طریقت الرشیدییه^۳ در سومالی و طریقت مهدیه^۴ در سودان، شکل گرفتند و در شمال آفریقا، سنوسیه^۵ و در غرب آفریقا، جنبش شیخ عثمان دان فودیو،^۶ پرچمدار اصلاحات دینی شدند. سنوسی با تأسیس زاویه‌ها در شمال و غرب قاره آفریقا، توانست افکارش را به عراق و اندونزی منتقل نماید و یک جنبش اصلاحی در حرکت صوفیه بوجود آورد.

مرحله تکوینی و تأسیسی

محمدبن علی السنوسی معروف به سنوسی کبیر در خاندان اهل علم و دین مشهور به خاندان سید عبدالله بن الخطابی در شهر مستغانم-الجزایر، به دنیا آمد و از مراکز علمی

و شخصیت‌های علمی و مذهبی، علومش را فرا گرفت و از طریق تماس با شیوخ متصوفه با طریقت‌های قادریه، شاذلیه، محمدیه، زینیه، تبجانیه، احمدیه و ادریسیه، آشنا و در این راه اجتهاد فکری در تصوف و طریقت‌های آن داشت و با تأسیس اولین زاویه طریقت خود را در نزدیکی کوه ابوقبیس در نزدیکی مکه مکرمه در سال ۱۸۳۷ میلادی رسماً تأسیس کرد.^۷ شیخ احمد بن ادریس، بزرگ علمای مذهب مالکی و زاهد بزرگ در مکه مکرمه مشغول تدریس و نشر افکارش بود. محمد عثمان میرغنی مؤسس طریقت ختمیه و مجذوب صغیر مجدد طریقت مجذوبیه و ابراهیم الرشید مؤسس طریقت صالحیه یا رشیدیه و محمد بن علی السنوسی مؤسس طریقت سنوسیه، همگی شاگردان بن ادریس بودند که پس از مدتی از سوی علمای حجاز به خارج شدن از تعالیم حقه اسلام متهم گشت.

سنوسی بزرگ در سال ۱۸۵۹ فوت کرد و فرزندانش محمدالمهدی و محمدالشریف در سن کودکی بودند، لذا شورای بزرگان تشکیل تا اداره طریقت را تداوم بخشد و بمحض رسیدن محمدالمهدی^۸ به سن قانونی، رهبریت طریقت را بعهدده گرفت و از راه شاگردی علمای بزرگ و فقهای مشهور به درجه علمی درخشانی رسید. با تلاشهای وی، قلمرو اقتدار و نفوذ این طریقت به اوج خود رساند ولی در سن ۴۸ سالگی دار فانی را وداع گفت.

افکار و آراء سنوسیه

۱. سنوسیه یک طریقت اهل سنت و سلفی مرام است. از اهدافش پاکیزه نمودن آئین اسلام و خالص نمودن آن از اضافات و بدعتها است. این طریقت یک جنبش اصلاحی برای پالایش افکار صوفیه است.

۲. باب اجتهاد را نبسته بلکه به اعتقاد پیروان این طریقت در اجتهاد باز و باید با تحولات زمانه، هماهنگ و جوابگو باشد.
 ۳. منابع اجتهاد فقه از دیدگاه علما و رهبران آن کتاب خدا و سنت نبوی و اجماع مسلمین و قیاس است.
 ۴. مخالف با بدعت‌های اهل تصوف، چون خودزنی با اشیاء تیز و رقص و آواز است
 ۵. استعمال دخانیات و حشیش و مواد مخدر و نوشیدن شراب و قهوه از دید مؤسّسین، حرام است.
 ۶. پیروان مجبور به پوشیدن زی و شمایل خاصی و گذاشتن علائم ویژه نیستند.
 ۷. پیروان می‌بایستی به کسب علم و تفقه در دین اسلام تلاش و تکاپو داشته باشند.
 ۸. سنوسیه، طریقت پیروی تسامح و تساهل بوده و به زیارت قبور و قرائت ادعیه و اعتقاد به شفاعت باور داشته و از پیروان خود خواسته است تا فرایض و واجبات دین مبین اسلام را عمل کنند.
 ۹. در راه سیر و سلوک در این طریقت درجات و امتیازات وجود داشت: مریدان و پیروان اخوان به شیوخ زاویه‌ها، خواص به صاحبان شورا و قطب طریقت.
 ۱۰. شیوه نشر افکار طریقت مسالمت‌آمیز و از راه گفتگو و تذکر بوده و هیچگاه به تعصب و غلو در طریقت پیروان خود را دعوت نمی‌کرد.
 ۱۱. جنبش صوفیه سنوسیه باعث نشر آئین اسلام در لیبی و کشورهای صحرا و ساحل گشت و زوایای این طریقت بسان مدارس علمیه به تدریس معارف اسلامی و علوم قرآنی و تفاسیر عمل می‌کرد.
- این طریقت مانند اهل سنت به مهدویت و اخبار وابسته بدان معتقد است و در این راه غلو و افراط، نمی‌پسندید.

سیاست‌ها و روابط

۱. شیوخ این طریقت با علمای و اقطاب دیگر طریقت‌های صوفیه روابط مسالمت‌آمیز داشته‌اند و دیگران را تفکیر نمی‌کرد، این رفتار و سیاست فضای مناسبی جهت رشد و بقای این طریقت بوجود آورد.
۲. روابطش با جنبش مهدیه در سودان باعث گشت این طریقت دیدگاه منفی نسبت به سیاستهای مصر در قبال سودان داشته باشد و گاهی خصومت خود را نسبت به رهبران مصر آشکار می‌ساخت.
۳. یکی از سیاستمداران فرانسه در مقاله‌ای در مجله قرن بیستم در شماره ۲۷ مورخ مارس ۱۹۰۰ طریقت سنوسیه را تهدیدی جدی برای نفوذ فرانسه در شمال آفریقا و صحرای می‌داند.
۴. دولت عثمانی که در شمال آفریقا صاحب قدرت و نفوذ بود، طریقت سنوسیه را برسمیت شناخت و طی فرمان عبدالحمید اول در سال ۱۸۵۶ واحه جغوب به طریقت سنوسیه واگذار کرد و بموجب این فرمان، املاک و اوقاف متعلق به این طریقت از کلیه مالیاتها معاف گشت و در دوران حکومت سلطان عبدالعزیز طی فرمانی زاویه‌ها و خانه شیوخ طریقت سنوسیه صاحب مصونیت قانونی گشت و بصورت پناهگاه مصون از هر تجاوزی درآمدند و سنوسیه‌ها بخاطر این مناسبتها خلاف عثمانیه‌ها را برسمیت شناختند و نام سلطان عثمانی در نمازهای روز جمعه و عیدین در سراسر لیبی خوانده می‌شد.
۵. برخی از شیوخ و علمای الازهر، اقطاب طریقت سنوسیه را متهم به بدعت‌گذاری نمودند.

۶. سنوسی‌ها روابط خوبی با استعمار انگلیس نداشته‌اند و با سیاست این استعمارگر در مصر و سودان مخالف بودند.

۷. استعمار ایتالیا با حمله به لیبی در سال ۱۹۱۱ ضربات مهلکی به اقتدار این طریقت در لیبی زد و املاک و موقوفات این طریقت دچار دستبرد و مصادره شد. همچنین این تهاجم استعماری ضربات ویرانگری به نهادها و سازمانهای آموزشی زد و استعمار از این رهگذر در تلاش بود به ایتالیائی نمودن فرهنگ، مذهب و زبان جامعه این کشور و زدودن میراث فرهنگی اسلامی و عربی این سرزمین بود. لذا جامعه اسلامی این کشور به رهبری طریقت سنوسیه به مقاومت ملی پرداخت و نبردهای مستمر علیه این استعمار براه انداخت.

۸. استقلال کشور در سال ۱۹۵۱ و حاکمیت خاندان سنوسی‌ها در لیبی فرصت طلائی را برای توسعه و رشد این طریقت فراهم نمود ولی سرنگونی رژیم پادشاهی ادریس سنوسی ضربات جبران ناپذیری به بدنه این طریقت وارد نمود و فعالیت‌های اقطاب و زاویه‌های این طریقت در سایه حاکمیت ایدئولوژی کتاب سبز ممنوع گشت.

یادداشت‌ها

۱. طریقت احمدیه توسط احمدبن ادریس، تأسیس و در آفریقا رشد پیدا کرد.
۲. طریقت ختمیه توسط محمد عثمان‌المیرغنی کبیر در سودان پایه‌گذاری شد.
۳. طریقت رشیدییه توسط شیخ ابراهیم‌الرشید بوجود آمد.
۴. طریقت مهدیه در سودان توسط محمد احمدبن عبداللّه، بنیانگذاری گشت.
۵. طریقت سنوسیه توسط محمدبن علی‌السنوسی در لیبی تأسیس و رشد کرد.

۶. عثمان دان فودیو توانست رهبریت جنبش اصلاحی در نیجریه را بعهده بگیرد و با تأسیس یک دولت اسلامی در کانو و کادونا، آئین اسلام در سراسر غرب آفریقا و صحرا منتشر گشت.

۷. سنوسی کبیر می‌گوید در خواب پیامبر گرامی را دیدم و مرا دستور داد به بنای مساجد و زوایا برای نشر اسلام به همین خاطر در نزدیکی کوه ابوقبیس اولین زاویه خود را بنا نمودم.

۸. شیخ محمدالمهدی بن علی سنوسی‌الکبیر در سال ۱۸۴۴ میلادی متولد گشته است.

